

فرار به سوی الله: تحلیلی بر آیه «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»

حجت الاسلام والمسلمین سید تقی قادری*

مقدمه

از آنجاکه ماه مبارک رمضان، ماه بهار و ربیع قرآن و به ویژه شب‌های قدر، شب نزول دفعی قرآن بر قلب رسول الله ﷺ است، یکی از آیات مناسب برای سخنرانی و موعظه در شب‌های نورانی این ماه مبارک، این آیه است که خداوند می‌فرماید: «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»^۱ باری، به درگاه خدا بگریزید که من از جانب او با بیانی روشن شما را می‌ترسانم». در این آیه شریفه از رجوع و هجرت انسان به سوی خدا، به «فرار» تعبیر شده است که بنا بر بعضی از احتمال‌ها، اشاره و دلالت به آخرین مرحله از سلوک عارفانه دارد.

تحلیل و تفسیر همه‌جانبه آیه مبارکه و راه‌یافتن به روح و جان پیام عرفانی، معنوی و اخلاقی آن در صورتی ادراک‌شدنی است که مراتب و منازل عرفانی که سالک با پیمودن آن به وصال و لقاء الهی نهایی واصل می‌شود، به‌درستی تفسیر شود؛ از این‌رو برای فهم صحیح آیه مبارکه به تفسیر و تحلیل منازل سلوک می‌پردازیم.

منازل سلوک

سلوک معنوی دارای منازل متعددی است که به ترتیب چند مورد بیان می‌شود:

منزل اول: کسب حب الله

منزل اول برای طی طریق و سلوک عرفانی، منزل معرفت‌الله و حب‌الله است؛ به این معنا عارف و سالک الی‌الله باید چند کار را انجام دهد:

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

* از یک سو با تهذیب و تزکیه نفس، قلبش را از هرچه غیر خدایی است خالی کند؛ چراکه امام صادق علیه السلام فرمود: «القلب حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ: ^۱ دل، حرم خداست؛ پس در حرم خدا جز خدا را جای مده».

* از سوی دیگر با معرفت و شناخت در برابر صفات جمال و جلال حضرت حق، قلبش را که حوضچه وجودی اش است، از معرفت و عشق به ذات اقدس الهی آمیخته نماید؛ چراکه این دستورالعمل قرآن است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِنَّهُ يَصْعَدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبُ: ^۲ هر که طالب عزت است [بداند که همانا در ملک وجود] تمام عزت خاص خدا [و خداپرستان] است کلمه نیکو [ی توحید و روح پاک آسمانی] به سوی خدا بالا رود».

منزل دوم: انجام عمل صالح

منزل دوم در سلوک عرفانی و روحانی، انجام «عمل صالح» است؛ به این معنا اگر سالک می خواهد سلوک عرفانی و معنوی اش سرعت و شتاب بگیرد و مسیر چندصدساله را یک شبه طی نماید و زودتر به وصال و لقای الهی برسد، موتور محرکه اش انجام عمل صالح است که پشتوانه بی بدیلی برای سبکبال کردن آدمی است و مسیر سخت را آسان می کند و مقصد را نزدیک و نزدیکتر می نماید؛ همان گونه که آیات قرآنی به این پیام و درس عرفانی اشاره می کند: «... وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ: ^۳ و عمل نیک خالص آن را بالا برد»؛ «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا: ^۴ پس هر کس به لقای [رحمت] پروردگارش امیدوار است، باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند».

عمل صالح امیر المؤمنین علیه السلام

نمونه ای از انجام عمل صالحی که نه تنها موجب تقرب به ذات اقدس الهی شده است، بلکه موجب ماندگاری نام و یاد صاحب عمل صالح برای همیشه روزگار شده است، عمل صالح امیر المؤمنین علی علیه السلام است که در حال رکوع انگشترش را که قیمت چندانی نداشت؛ ولی همان سرمایه اندک در اختیارش را در اوج اخلاص به شخص مستمند بخشید. همین عمل صالح

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. فاطر: ۱۰.

۳. فاطر: ۱۰.

۴. کهف: ۱۱۰.

فرار به سوی الله: تحلیلی بر آیه «فَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ» ■ ۱۰۱

خالصانه موجب شد خداوند متعال آن را در قرآن کریم توصیف نماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

در تفسیر مجمع البیان در شأن نزول این آیه آمده است که ابوذر می‌گوید: روزی از روزها با رسول خدا ﷺ در مسجد نماز می‌خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی به او چیزی نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا تو شاهد باش، من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی جواب مساعد به من نداد. در همین حال علی علیه السلام که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشتری را از دست آن حضرت بیرون آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله که در حال نماز بود، این جریان را مشاهده کرد؛ هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین عرض کرد: «خداوندا، برادرم موسی علیه السلام از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی، کارها را بر او آسان‌سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز موسی علیه السلام درخواست کرد، هارون که برادرش بود را وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک‌سازی؛ خداوندا، من محمد پیامبر و برگزیده توام، سینه مرا گشاده کن، کارها را بر من آسان‌سازی، از خاندانم علی علیه السلام را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد».

ابوذر می‌گوید: هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر گفت: «بخوان». پیامبر فرمود: چه بخوانم؟ گفت: بخوان «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...».

گفتنی است این شأن نزول از طرق مختلف نقل شده است که گاهی در جزئیات و خصوصیات مطلب با هم تفاوت‌هایی دارند، ولی اساس و عصاره همه یکی است.^۲

منزل سوم: سبقت و سرعت

منزل سوم از منازل سلوک، منزل سبقت و سرعت است؛ به این معنا که برای انجام عمل صالح خالصانه، همیشه فرصت و زمینه انجام آن فراهم نیست و ممکن است معطل کردن و کار امروز

۱. مانند: ۵۵.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۹۴ - ۱۹۵؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۲۱؛ عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۳۰.

را به فردا موکول نمودن موجب شود فرصت و توفیق انجام عمل صالح از دست برود؛ از این رو عارف و سالک الی الله باید در انجام عمل صالح «سرعت و سبقت» را ملاک راه کسب معنویت قرار بدهد تا پیش از اینکه دیگران از وی گوی سبقت را در انجام عمل صالح برابیند، وی با سرعت و شتاب آن عمل صالح را انجام دهد.

قرآن کریم از یک سو مؤمنین را دعوت به مسابقه از یکدیگر در انجام عمل صالح و کار خیر می کند و می فرماید: «وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ هر کسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد [یا قبله ای است که به آن روی آورد]؛ پس بشتابید به خیرات که هر کجا باشید همه شما را خداوند [به عرصه محشر] خواهد آورد و به تحقیق خدا بر همه چیز تواناست».

از سوی دیگر آنان را به سرعت و شتاب در انجام عمل صالح دعوت می کند که زمینه ساز مغفرت الهی و بهشت جاودانه است و می فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ و بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته است و مهیا برای پرهیزکاران است».

ثمره های «سبقت و سرعت» در انجام عمل صالح

سبقت و سرعت در انجام عمل صالح برکت های ذیل را به همراه دارد:

* برطرف شدن تاریکی ها و نیل عارف سالک به نورانیت و معنویت: در این مرحله تاریکی ها پس زده می شود و عارف و سالک الی الله به نورانیت معنویت دست پیدا می کند و سبکبال می گردد: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا»^۳ پیامبری را برای شما برانگیختیم که آیه های روشننگر خدا را برای شما تلاوت کند تا افراد باایمان و نیکوکار از تاریکی [کفر و بدکرداری] به محیط روشن گام نهند».

* نیل به حیات جاودانه در بهشت: عارف سالک به زندگی جاودانه در بهشت راه پیدا می کند

۱. بقره: ۱۴۸.

۲. آل عمران: ۱۳۳.

۳. طلاق: ۱۱.

فرار به سوی الله: تحلیلی بر آیه «فَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ» ■ ۱۰۳

و به رزق معنوی خاص دست می‌یابد: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا: آن‌که به خدا ایمان آورد و عمل نیکو انجام دهد، او را وارد بهشت می‌سازد که از زیر درختان آن چشمه‌ها جاری می‌گردد و جاودانه در آنجا هست و خدا روزی نیکو برای او فراهم ساخته است».

* تسخیر قلب‌ها و کسب محبوبیت: به برکت انجام عمل صالح، عارف سالک در همین دنیا مسخر قلب‌ها و محبوب همه می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: آنان که ایمان آورده و عمل نیک انجام داده‌اند، برای آنان [در قلوب انسان‌ها] مهر و محبت پدید می‌آوریم».

منزل چهارم: فرار به سوی خدا

منزل چهارم از منازل سلوک عرفانی و معنوی، «فرار الی الله» است؛ بدین معنا عارف و سالکی که در مسیر سیر و سلوک و کسب معنویت و نورانیت قرار می‌گیرد و نزدیک است به مقصد نهایی خلقت که همان وصال و لقای الهی است برسد، شیطان در چهره مقدسانه در برابر او ظاهر می‌شود و با برجسته‌کردن خشم و غضب خداوند متعال، در مقام ناامیدی وی برمی‌آید؛ در این مقام سالک و عارف باید با تمام ظرفیت ظاهر شود و در پیمودن مسیر قرب الی الله به القائنات شیطانی توجه نکند؛ همچنین از خشم و غضب الهی به رحمت و مغفرت الهی روی بیاورد و به سوی خدا فرار کند و به این حقیقت باور داشته باشد که رحمت الهی بر غضبش غلبه دارد. خداوند در آیه پنجاهم سوره «زمر» سالکان را توصیه می‌کند در چنین مرحله حساسی، باید با دلی پر از امید از غضب و خشم الهی به رحمت و مغفرت واسع الهی پناه ببرد: «فَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ: باری، به درگاه خدا گریزید که من از جانب او با بیانی روشن شما را می‌رسانم». در ادامه نیز می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ: ای رسول رحمت، بدان بندگانم که [به عصیان] اسراف بر نفس خود کردند، بگو هرگز از رحمت [ناامنتهای] خدا ناامید مباشید؛ البته خدا همه گناهان را [چون توبه کنید] خواهد بخشید که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است». در آیه دیگری در راستای همین تقویت روحیه، بشارت می‌دهد که اگر بنده خدا با توبه از

۱. طلاق: ۱۱.

۲. مریم: ۹۶.

۳. زمر: ۵۳.

قصور و تقصیر خویش به رحمت الهی روی بیاورد، خداوند متعال سیئات او را به حسنات تبدیل می‌نماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۱ مگر آن کسانی که از گناه توبه کنند و عمل صالح به جای آرند؛ پس خدا گناهان آنها را بدل به حسنات گرداند و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

نتیجه طی منازل سالکانه

در شرایطی که دنیاپرستان و طغیانگران در عذاب وحشتناکی در جهنم خودساخته دنیا و عذاب الهی در قیامت قرار می‌گیرند، سالک با پیمودن این منازل به مقام و مرتبه «نفس مطمئنه» می‌رسد و با زیباترین و لطیف‌ترین بشارت‌های الهی مواجه می‌شود که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»^۲ تو ای روح آرام‌یافته، به سوی پروردگار بازگرد؛ درحالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است؛ پس در سلک بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو». این دعوت الهی، دعوتی است آمیخته با رضایت طرفینی که «راضیة مَرْضِيَّة» است؛ رضایت عاشق دل‌داده از معشوق و رضایت محبوب و معبود حقیقی از عبد سالک.

پس از این مرحله، خداوند تاج افتخار عبودیت را بر سر عبد سالک می‌نهد و او را به لباس بندگی مفتخر می‌کند و او را در سلک خاصان درگاهش جای می‌دهد: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»؛ سپس از او برای ورود به بهشت دعوت می‌کند: «وَادْخُلِي جَنَّتِي»؛ وارد بهشتم شو» که نشان می‌دهد میزبان این میهمانی تنها ویژه ذات مقدس او است؛ عجب دعوتی، عجب میزبانی و عجب میهمانی.

منظور از «نفس» همان روح آدمی است و تعبیر به «مطمئنة» اشاره به آرامشی است که در پرتو ایمان و سلوک عارفانه حاصل شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳ آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست».

۱. فرقان: ۷۰.

۲. فجر: ۲۷ - ۳۰.

۳. رعد: ۲۸.

فرار به سوى الله: تحليلى بر آية «فَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» ■ ١٠٥

کتابنامه

قرآن کریم

١. شعیرى، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ج اول، نجف: مطبعة حيدرية، [بى تا].
٢. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چ سوم، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ ش.
٣. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
٤. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٤١٧ ق.
٥. حاكم حسانى؛ عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمدباقر المحمودى، طهران: مؤسسة الطبع و النشر، ١٤١١ ق.